

شهر اسلام



ISLAMIC CITY

www.ketab.ir

اثر: پروفیسور نجم الدین بemat
ترجمہ: دکتر محمد حسین حلیمی
منیژه اسلامبولچی

تہران ۱۳۹۳



ANT

www.ketab.ir

بمات - نجم‌الدین ۱۹۲۲ - ۱۹۸۵.

شهر اسلامی / نجم‌الدین بمات؛ ترجمه محمد حسین حلیمی، منیژه اسلامبولچی. - تهران: سازمان چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۳.

۲۷۲ ص.: مصور. (رنگی)، عکس.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

عنوان اصلی:

چاپ اول: ۱۳۶۹. چاپ دوم: ۱۳۹۳.

۱. شهرها و شهرستان‌ها - خاورمیانه - مصور. ۲. خاورمیانه - سیر و سیاحت - مناظر. الف. حلیمی، محمد حسین، ۱۳۱۹ - مترجم. ب. اسلامبولچی، منیژه، مترجم. ج. ایران. سازمان چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه.

۹۰۹/۰۹۷۶۷۱

ش ۸ ب/۴۴/۵ DS

۱۳۹۳

۳۴۱۴۶۱۹

کتابخانه ملی ایران



سازمان چاپ و انتشارات

در زمینه چاپ و انتشارات

شهر اسلام



ISLAMIC CITY

اثر: پروفیسور نجم الدین ہمات

ترجمہ: دکتر محمد حسین حلیمی

منیجر اسلامبولچی



حروف چین: مریم غصنفری

نمونہ خوان: شیرین پورجانی

طرح جلد: دکتر محمد حسین حلیمی

اجرای طرح جلد: سعید ارونقی

ظہر چاپ: علی فرازنده خالدی



لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

وابسته به کتابخانه مرکزی



چاپ: اول بہار ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخہ



ج: تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار

سازمان چاپ و انتشارات است.

شابک: ۶-۷۱۹-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸

ISBN: 978-964-422-719-6



چاپخانہ، انتشارات، پخش و فروشگاه:

کیلومتر ۵ جادہ مخصوص کرج، نبش سہ راہ شیشہ مینا، تہران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱

تلفن: (چہار خط) ۲۴۵۱۳۰۰۲، نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵، انتشارات و فروشگاه: ۴۴۵۲۹۶۰۱

تلفن پخش: ۴۴۵۱۴۴۱۱، تلفکس پخش: ۴۴۵۲۵۴۹۹

پخش و فروشگاه شماره ۲:

پخش فرهنگ: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان اردیہشت، خیابان لبافی نژاد بہ طرف کارگر.

جنب اغذیہ فروشی، شماره ۲۶۶، واحد ۵، تلفن: ۰۹۱۲۲۱۱۳۵۵۴، ۰۶۶۴۸۲۱۵۰

کتابفروشی جمهوری: خیابان شریعتی، نرسیدہ بہ خیابان شہید کلاہدوز، شماره ۱۵۷۱، تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵



نشانی سایت اینترنتی:

www.chapnashr.ir



فهرست مطالب

۶	درباره مؤلف
۸	مقدمه چاپ دوم
۹	مقدمه مترجم
۱۷	پیش‌گفتار
۲۹	جهت نگاه
۵۵	آب و خاک
۸۷	چهره شهر
۹۸	مسجد و بازار
۱۰۷	کاخ
۱۰۸	خانه شخصی
۱۱۷	خصوصیات شهر
۱۴۹	شهری در اسلام
۱۷۳	مسجد یا ایوان سفر
۱۷۶	مسجد علی رز
۱۸۵	مدینه
۱۸۹	بیت المقدس
۱۹۳	مسجد
۲۰۷	باغ عدن و باغ‌های خوب و سی
۲۴۷	توپکاپی
۲۵۹	عالم مرگ
۲۷۰	اسامی عکاسان
۲۷۱	کتابشناسی

اکنون که کتاب شهر اسلامی نوشته مرحوم نجم‌الدین بemat، مجدداً به چاپ می‌رسد، فرصتی است مغتنم تا نظر خوانندگان محترم، بالأخص علاقه‌مندان فرهنگ و هنر سنتی را به نکته‌هایی جلب نماییم.

در سال‌های اخیر که به سرعت تغییرات و تحولات گسترده در تخریب و بازسازی واحدهای قدیمی معماری و مجموعه‌های شهری به وجود آمده و با سرعت زائدالوصفی چهره و فضاهای شهری دگرگون می‌شده، نقش معماران و شهرسازان و مدیران طراحی و برنامه‌ریزی شهری تعیین‌کننده است؛ و در نتیجه زمینه مساعدی فراهم شده تا سوداگران حرفه‌ای کوچک و بزرگ، بی‌هیچ ملاحظه و مسئولیتی، با اقتباس و تقلید از الگوهای غربی، که هماهنگی و ارتباط چندانی با قامت فرهنگی ما ندارد بعضاً با تصمیم‌گیری‌های فرصت‌طلبانه، به وضوح برخی از آثار هنری و فضاهای شهری را که حتی شهرت جهانی دارند و به منزله میراث فرهنگی بشری محسوب می‌شوند تخریب نمایند و با شتابی حیرت‌انگیز، به منظور بهره‌برداری از امکانات زمانه، صرفاً به منظور سوداگری بیش‌تر، خودباورانه برنامه‌های تخریب و ساخت را عملی سازند.

یادآوری خاطره‌های فرهنگی و هنری، مرور آثار تاریخی و سنتی هنری، از طریق شعر و ادبیات و عرفان، و توجه به ارزش‌های معنوی نهفته در آن‌ها، می‌تواند به منزله تذکاری سازنده و بازدارنده قیامداد شود.

در این شرایط حساس و سرنوشت‌ساز معاصر نیز که تحت‌تأثیر دگرگونی‌های علمی و فنی، با پیدایش امکانات مادی مدرن و ارتباطات گسترده جهانی، همه چیز تحت‌تأثیر و دگرگونی می‌باشد، به سبب توجه به ارزش‌های فرهنگی و سنتی موجود در اسناد هنری و تاریخی می‌تواند زمینه علاقه بیشتر به ارزش‌های ملی و حفظ و حراست از باورهای معنوی و به‌طور کلی هویت ایرانی اسلامی را تقویت نماید.

در کتاب شهر اسلامی، مرحوم نجم‌الدین بemat، بدون پرداختن به بحث‌های طولانی، با گزینش نکته‌های ظریف و موجز از شعر و ادبیات و عرفان از جوامع سنتی اسلامی که به خصوص در فرهنگ و هنر ایرانی ارزشمند است، فضایی برای درسیسم نموده، تا علاقه‌مندان نکته‌سنج، بتوانند با پیوند نوشته و تصویر، عالم و فضای شهر اسلامی را که با ظرایف معنوی که در آن می‌باشد تصور و تجسم نمایند.

محمدحسین حلیمی
بهار ۱۳۹۳

نام نجم‌الدین بemat (رحمة الله عليه) به عنوان یکی از بزرگترین متفکران معاصر و مبلغین بی‌همتای عرفان و حکمت و هنر اسلامی برای شرق‌شناسان نامی آشناست. او در خانواده‌ای مسلمان و فرهنگی پا به عرصه وجود گذاشت، ابتدا عمر خود را صرف آموختن عمیق فرهنگ و تمدن اسلامی کرد و با اندیشه‌های مختلف غرب و شرق بخوبی آشنا شد. سپس مانند یک مسلمان وظیفه‌شناس در راه تبلیغ و نشر فرهنگ و تمدن اسلامی تلاش بسیار نمود و خصوصاً به خاطر آشنایی و تسلط او به دوازده زبان دنیا، نقش عمده‌ای در روابط فرهنگی شرق و غرب ایفا کرد و با شناخت دقیق و گسترده‌ای که از اسلام و دنیای مدرن امروزی داشت ارتباط مناسبی میان این دو تمدن برقرار نمود و در محافل دانشگاهی و فرهنگی کشورهای اسلامی و غربی چهره‌ای بی‌نظیر و استثنایی به‌دست آورد.

مترجم برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ در یکی از سخنرانیهای پیرامون هنر اسلامی در دانشگاه سوربن با او آشنا شد و در خلال سالهای اقامت خود در فرانسه، به مناسبت‌های مختلف، در کنفرانسها، سخنرانیها و ملاقاتها از محضرش بهره‌ای بسیار گرفت و امیدوار بود با استفاده از تجربه‌های خود، در خدمت آن استاد مسلمان انجام وظیفه کند که مرگ ناگهانی او برنامه‌ها را ناتمام گذاشت.

متأسفانه تاکنون در ایران هیچ اثری از او به چاپ نرسیده است و هنرمندان و علاقه‌مندان به اسلام نیز از وجود آثار این متفکر مسلمان بی‌اطلاع هستند و به علت قلت آثار مکشوف است به معرفی او کوششی به عمل نیامده است. کتاب شهرهای اسلام که بعد از مرگش آماده چاپ شد و در سال ۱۹۸۷ در فرانسه منتشر گردید، یکی از آثار ارزشمند او می‌باشد. اینک در اختیار فارسی‌زبانان قرار گرفته است. در این اثر، نجم‌الدین بemat کوشیده است تا مانند یک مورخ هنرمند، تصویری از شهرهای نمونه اسلامی ترسیم کند و جامعه اسلامی را چنانچه یک جامعه‌شناس معرفی نماید و با نگاه عارفانه خود به عالم، تصویری ذهنی خود را از شهر ایده‌آل اسلام با «مدینه فاضله اسلام» بیان کند.

عنوان اصلی کتاب به زبان فرانسه شهرهای اسلام است. مترجم به جای آن شهر اسلامی را برگزیده تا علاوه بر بُعد معماری شهر، بُعد ابعاد را هم دربرگیرد. مطالب کتاب را عکسهای ارزشمندی که عکاسان مختلفی از گوشه و کنار کشورهای اسلامی تهیه کرده‌اند تکمیل کرده است که در پایان کتاب اسامی آنها ذکر شده است. به منظور رفع کمبود منابع تصویری از فضاهای زیستی و اقلیمی ایران، مترجم نمونه‌هایی از آثار عکاسی خود را به کتاب اضافه کرده است تا شاید کمبودها را جبران کند.

کوشش نجم‌الدین بemat بر این بود تا بین جوامع اسلامی و فرهنگهای متنوع سنی و اقلیمی آن، اتحادی محکم و دائمی به‌وجود آورد. از این‌رو همیشه از «امة الواحده» سخن به میان می‌آورد. او می‌خواست تا مانند اجداد مسلمانان معرفت جوانب مختلف معارف و هنر اسلامی باشد و خصوصاً روح تشنه مسلمانان و مشتاقان غربی را نسبت به اسلام سیراب سازد. بدین منظور بود که در یکی از سخنرانیهایش در دانشگاه سوربن چنین گفت: «هنگامی که از

پدر بزرگم سوال شد که اهل کجایی؟ او گفت: الحمدلله. یعنی به رسم سنتی مسلمانان پاسخ داد، و هرگونه وابستگی نژادی، ملی و جغرافیایی را نفی کرد و حتی او نگفت که من مسلمانم. بدین ترتیب او خود را به جامعه‌ای پیوند داد که هیچ‌گونه وابستگی جغرافیایی ندارد و به ملیتی خاص متصل نیست. او خود را با معیارها و اصول فرهنگی و معنوی معرفی کرد، یعنی همان فرهنگی که روش زندگی را دیکته می‌کند و ارتباط انسان را با خویش و نیز با دیگران مشخص می‌نماید.» این مطلب را اقبال لاهوری نیز بدین مضمون بیان کرده است:

نه افغانیم و نه ترک و تاتاریم

چمن زادیم و از یک شاخساریم

تمیز رنگ و بو برما حرام است

که ما پرورده‌ی یک نویهاریم

برای یک فرد مسلمان، شهر مفهوم خاصی دارد، زیرا چه در هرات یا سمرقند باشد یا در بغداد و فاس، او پنج بار در روز شهر خویش را فراموش می‌کند و از آن خارج می‌گردد و در ذهن خویش به سوی شهر دیگری نظر می‌اندازد. آن نظرگاه شهر مکه است. اما آن‌چه که برای او اهمیت دارد شهر مکه نیست؛ بلکه نقطه مرکزی آن، همان مکعب سیاه رنگ است که بر گردونه‌ای سفید قرار دارد و با ابعاد رنگ و فرم رنگ سیاه و سفید و شکل مکعب و دایره، مرکز ثقل تمام نگاهها در آن‌جا واقع است. همان اسلام از شهرهای نمونه از جمله: فاس، بغداد، قاهره، اصفهان، هرات نام برده می‌شود. اما شهر آمده‌آل دیگری نیز هست که بعد انسانی آن اهمیت دارد و شامل «امت واحده» است. در این شهر عالی‌ترین بنا و عظیم‌ترین ساختمان مسجدی نیست که در نقطه‌ای از شهر بنا شده باشد؛ بلکه این امر است که از طریق آن، همه نگاهها به هنگام نماز متوجه جهتی می‌شود که همانا جهت قبله است. در واقع همه نگاهها از هر نقطه دایره عظیم شهر اسلامی که متوجه نقطه‌ای می‌شود بر نگاه دیگری اصابت می‌کند که مانند انعکاس در آینه، به منزله انعکاسی (اکو) از اعمال انسان است. بنابراین، فضای عرضه و نمایشی است که دارای جنبه مذهبی و همچنین جنبه اجتماعی است. این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرفت نفسی از رسول و ارزشها و معیارهای مشخص و دقیق است که بر شهر مسکونی منطبق شده است. این مورد همان مطلبی است که «طبری» هنگام تشریح بنای شهر کوفه آن را شرح می‌دهد و می‌گوید: «نخستین بنای این شهر با ساختن مسجد شروع شد، یعنی دقیقاً حرکتی برخلاف جریان ساختن شهر رُم که توسط «رومولوس» اتفاق افتاد؛ زیرا خیشی بر زمین کشیده نشد تا شیاری ایجاد کند و تقسیمات خاکی و جغرافیایی به وجود آورد، بلکه ماهرترین تیرانداز فراخوانده شد تا ابعاد دیگری جز بُعد مادی را ترسیم کند. در ابتدا جامعه اسلامی فقط «امت» را می‌شناخت که شامل مجموعه‌ای از ایده‌های اخلاقی و اجتماعی برای زیستن و نیز معماری بود و جامعه اسلامی، اساساً واحدی نظم داده شده برای زیستن در کنار هم است تا اینکه برای ساختن ساختمان به وجود آمده باشد. «در ضمن شهر صرفاً به عنوان هنر معماری مطرح نیست، بلکه با کسانی که در آن زندگی می‌کنند مطرح می‌شود. خود کلمه شهر، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت خیابان و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اتاقهایی هستند که خانواده‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند و تمام شهر به منزله یک خانه بزرگ محسوب می‌شود. از این‌جاست که تشبیهات و مقایسه‌های معماری در قرآن فراوان آمده

است. اما برای نشان دادن همهٔ جامعه، کلمه «بیت الاسلام» یا خانه اسلام مفهوم بهتری دارد. به این ترتیب اسلام در بُعد انسانیش مطرح می‌شود.

به نظر بماند، شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که براساس ایده‌آلهای اسلامی، فرمهای ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماعی، اصل دیگری بر جامعهٔ مسلمانان حاکم است و آن محدود نبودن به زمان و نداشتن جغرافیای خاص است که مفهوم امت اسلامی آن را تعریف می‌کند. امت، اجتماعی است که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند و جامعه‌ای است که به سوی یک قبله واحد روی می‌گرداند و قبل از آن که به عنوان یک محل سکونت مطرح شود به صورت یک «جهت نگاه» تعریف می‌شود. تصور ذهنی امت در جامعهٔ اسلامی، ایده‌ای ارگانیک دارد که در قرآن به صورت «بنیان مرصوص» مطرح شده است. روزی نجم‌الدین بماند، اصطلاح «بنیان محسوس» را به کار برد، اما در کتاب شهر اسلامی، اصطلاح «بنیان مرفوض» نوشته شده است تا آن که وحدت محکم به محکمی معماری جامعه را در آنها باقی گذارد، همچنین تصور مکانی امن و خانواده‌ای گرد آمده را در ذهن ایجاد کند. این مفاهیم از قرآن کریم و احتمالاً از کلمه «بنیان مرصوص» اقتباس شده که دارای مفهوم بناء و ختن است و در سورة صف، آیه چهار، بدین صورت است:

اِنَّ مِنْ تَحْتِ الدِّينِ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهِ صَفًّا كَاَنْهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ.

[«معنی: خداوند است می‌دارد کسانی را که در راه او به صف کارزار می‌ایستند تو گویی بنیانی ساخته شده است.»] - کلمه «بنیان» به معنای بناء و کلمه «مرصوص» به معنای ساختمانی است که با رصاص (رصاص سفید قلع و رصاص سیاه (سرب) محکم کاری شده، به طوری که در مقابل عوامل انهدام مقاوم باشد. - ترجمه المیزان، جلد ۱۹، صفحه ۵۰۵].

در جهان اسلام، شهرها را می‌توانند که تا حدودی چهره شهر اسلامی را مشخص می‌کنند. قبل از همه شهر مدینه است که به ابتدا شهری تجاری بوده و بر مسیر راههای بازرگانی قرار داشت. اما در مقابل آن شهر مدینه (یثرب)، شهری است که براساس اصول حقوقی اسلامی توسط حضرت پیامبر (ص) شکل گرفته است. شهرهای دیگر چون کوفه، بصره، قیروان، دمشق، فاس، بغداد، استانبول، قسطنطنیه، مراکش، بغداد، هرات و بسیاری دیگر که براساس اصول و معیارهای شهر اسلامی شکل گرفته‌اند و نظم خاصی دارند. در مرکز این شهرها مسجد جامع قرار داشت و همراه مراکز آموزشی (یعنی قلب و مغز شهر)، بُعد معنوی و فکری شهر اسلامی را به وجود می‌آورده، و در کنار آنها کتابفروشیها و عطاریها واقع شده بود. بعد از این قسمت بُعد مادی شهر یعنی بازارهای مرکزی و بزرگ شکل گرفته و در ارتباط با آن سایر بازارهای کوچک به وجود آمده و هر بازاری با توجه به نوع اهمیت آن نسبت به نقطه مرکزی ایجاد شده است از جمله: بازار پارچه‌فروشیها (قیصریه)، بازار زرگرها، بازار قنادها، بازار مسکرها، بازار کفاشها، بازار نجارها، بازار آهنگرها، بازار قصابها، بازار دباغها و غیره که هر کدام در ارتباط یا دیگری قرار داشتند. (امروزه در اغلب شهرها نامها و مکانهای جدیدی را که از غرب تقلید شده مشاهده می‌کنیم، مانند پاساژ، سوپرمارکت، بوتیک و امثال آن که تقلیدی نابجا از نمونه‌های غربی است).

راسته بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می‌شود و بازار هم مسجد را تنگاتنگ در برمی‌گیرد و با بافت شهر پیوند می‌خورد و وجود آن زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در واقع بین فضای مقدس و مکان زندگی که عالیت‌ترین نمونه‌اش بازار است فاصله‌ای وجود ندارد، علاوه بر این یک نوع مقابله و ارتباط خوب هم به چشم می‌خورد. هنوز این خصوصیت به طور کامل در اغلب شهرهای اسلامی از جمله در ایران از بین نرفته است و در شهرهای اصفهان، شیراز، کرمان، همدان، تهران، قزوین مشاهده می‌شود. ولی شهرها و شهرکهای جدید که معمولاً از الگوهای غربی اقتباس شده‌اند به طور کلی فاقد این ارزشها هستند.

در نگاه اول به کتاب شهر/اسلامی، طرح مفاهیم سمبلیک و مضامین فرهنگ اسلامی، شاید برای خوانندگان آشنا، سهل و ساده بنماید، لیکن اصل مطلب این جاست که جامعه هنری و معماران و شهرسازان معاصر کشور بیش از آن‌که با این مضامین و مفاهیم و اثرات آن در ابعاد مختلف فرهنگ - مذهبی، اجتماعی و اقتصادی کشور کاملاً آشنا باشند، بیشتر با الگوها و اصطلاحات معابیر فرهنگ بیگانه سروکار داشته‌اند و از تأثیرات سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده سرنوشت فرهنگی و تمدن اسلامی و سنت‌های ایرانی بیگانه گشته‌اند و بیش از آن‌که ناآشنا با فرهنگ کهن گذشته و حال خود باشند مبلغ مظاهر و سبکهای هنر و معماری مغرب زمین گشته‌اند. البته این بدان معنی نیست که تمام مظاهر فرهنگی و علمی غرب را نادیده گرفته و آنرا بی‌ارزش و بی‌اهمیت بشماریم. کوشش مؤلف کتاب شهر/اسلامی در حد خود کار ارزشمندی است. به تعبیر زنده یادان دکتر علی شریعتی و جلال آل‌احمد، این بیماری «الینه شدن فرهنگی» یا «غرب‌زدگی» را شفا دهد و به توجه دادن به ارزشهای فرهنگی خود، به کشف مجدد ارزش نایل آید و به کمک معیارهای اصیل اسلامی خود تجزیه و تحلیل کند و از خودبیگانگی فرهنگی و «بی‌شخصیتی تاریخی»، به مرحله متعالی خودآگاهی با شخصیت اسلامی برسد.

نجم‌الدین بمات از برخی شهرها که از جهات مختلف الگوی شهرهای اسلامی محسوب می‌شوند یاد می‌کند. از جمله شهرهایی که به صورت بنادر مهم هستند و برای کاروانها به وجود آمده‌اند تا با مناطق دوردست ارتباط برقرار کنند، مانند اسکندریه، مصر، عکا، تونس، المریه که در ارتباط با دریای سرخ هستند: همچنین شهرهای جدّه، عدن، بصره، مسقط، مالاکا، سوماترا، اندونزی که با اقیانوس هند مرتبط هستند و سبلماسه، تومبوکتو، حمص، حلب، یا شهرهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار داشتند مانند: همدان، ری، نیشابور، هرات، بلخ، سمرقند، بخارا، تاشکند و بالاخره سینگ کیانگ که در چین قرار داشت. شهرهای مقدس مانند: مکه، مدینه، کوفه، نجف، کربلا، دمشق که علاوه بر جنبه مذهبی، برخی از آن‌ها از نظر تاریخی نیز قابل توجه‌اند. شهرهای قاهره، استانبول و اصفهان نیز از نظر علمی و هنری دارای مرکزیت و اعتبار هستند. بالاخره یک شهر به عنوان نمونه شهرهای اسلامی انتخاب می‌شود تا در آنجا توقف نموده که به خوبی معرفی گردد. این شهر نمونه، شهر فاس در مراکش است. چهره شهر با کوچه‌ها و خانه‌ها درهم گره خورده، شهری زنده و پرجمعیت است. مولا ادریس که از حکمرانان این شهر بود، نقش خود را در ساختمان این شهر نشان داده است. شهر فاس، شهر علم و اساتید و شهر

دانشمندان و حقوقدانان بزرگ اسلامی بوده است و این به علت وجود یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های اسلامی به نام دانشگاه قزوین است که سند سنجش علمی شهر می‌باشد. ضمناً یکی از زیباترین مدارس اسلامی نیز به نام مدرسه عطارین در این شهر واقع است.

در قسمتی دیگر از کتاب شهر/اسلامی، نجم‌الدین بمات به دو عنصر مهم یعنی آب و خاک اشاره می‌کند زیرا که هر دو از عناصر ضروری شهر است. به ویژه آب که با مفهوم خاصی مطرح است. با آب کشاورزی می‌کنند، آن را می‌آشامند و برای نظافت به کار می‌برند و مهم‌تر آن که با آب وضو می‌گیرند و به صورت یک ماده ارزشمند، مردگان را غسل داده و تطهیر می‌کنند و به عنوان یک ماده بهشتی که در آیات قرآنی به آن اشاره شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو اغلب شهرهای معروف متکی و وابسته به رودخانه‌های بزرگ همچون دجله، فرات و نیل به وجود آمده‌اند.

دیگر اینکه تراکم زیاد جمعیت، مشخصه شهر در اسلام است و افراد جامعه نیز جوهر اصلی شهرنشینی هستند و خانه‌های شخصی نیز واحدهای تشکیل‌دهنده آن می‌باشند. خانه‌های شخصی، فضاهای بسته‌ای است که آن‌جا را فضای فامیلی و خصوصی می‌نامند. زنی خانوادگی محسوب می‌کنند و معمولاً رو به اندرون داشته، ساختمان به طرف داخل جریخیه است. کوچه‌ها نیز در ارتباط با خانه‌ها و به عنوان دالان تلقی می‌شوند و معبر برای رفت و آمد و تردد می‌باشند. در نتیجه کوچه‌ها و خیابانها مانند یک چشم‌انداز زیبا و به خلاف فضا سازی شهر غربی، عمق نمایی و پرسپکتیو وجود ندارد.

اما یکی از جالب‌ترین مباحث در کتاب شهر/اسلامی که مورد توجه قرار گرفته است، باغ و ارزش و اهمیت آن در شهر سازی و معماری محیطی است که با توجه به معانی و مفاهیم آن معرفی شده است. باغ به صورت عنصر زیبایی و مظهر آسایش و لذت انسانی از قدیم مورد توجه انسان بوده است و در اسلام به ویژه به علت آن که در قرآن کریم به آن اشاره شده است اهمیت دیگری دارد. خداوند تعالی که در زبان عربی جَنَّتْ، دقیقاً همان باغی است که محل لذت و آسایش انسان است و در آیات قرآنی چنین است: *أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ* *عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* (سوره بقره، آیه ۲۵). سخنوران و دانشمندان نیز هر کدام به صورتی باغ را تعریف کرده‌اند و نجم‌الدین بمات نیز آن‌ها را ذکر کرده است.

در باره خصوصیات باغ، سیزده مورد شمرده شده است که هر کدام از موارد، عامل نظم و هماهنگی و زیبایی و یا عامل بهره‌مندی هستند. مهمترین مورد، اصل تقارن است که در سنت ایرانی و مغولی باغ، به صورت «چهارباغ» درآمده تا نظم را به نمایش بگذارد. حتی ایجاد آب‌نماها در باغ یا در خانه، به نحوی است که بهترین حالت قرینگی را در فضا سازی ایجاد می‌کند. عالیتین نمونه قرینگی تاج محل است. ساختمان تاج محل دوبار دیده می‌شود، بار اول تاج محل مرمرین که با شکوه و جلال سربرافراشته و بار دوم انعکاس آن در آینه آب است که در مقابلش قرار دارد. شکل اول صاف و پاکیزه و نورانی و روشن است که در میان باغی از درختان انبوه به نظر می‌آید، و شکل دوم تصویر شکل اول که بر آب افتاده است. هنگامی که نسیمی می‌وزد، تصویر دوم را به حرکت درمی‌آورد و قرینه تاج محل لرزان و قصر غوطه‌ور در آب، خود را در رمز و رازی می‌یابد. کدامین

شکل واقعی است؟ هر دو واقعی هستند و با هماهنگی و روبه‌رویی، عالمی بی‌نظیر را به وجود آورده‌اند. در کتاب شهر اسلامی، بمات سعی کرده است عالمی را مزین به ارزشهای اسلامی به وجود آورد تا خواننده در آن به سیر و سیاحت پردازد. نقطه آغاز سفر را از مکه انتخاب کرده، سپس عالم را دور می‌زند تا در پایان دوباره به همان نقطه آغازین برسد. به همین جهت نقطه پایان همان مکه است. مکه برای مسلمانان تنها یک شهر نیست، بلکه به منزله یک عالم است. هم آغاز و هم پایان است، هم زندگی و هم مرگ است. وحی الهی در این شهر نازل گردید و اسلام در این شهر شکوفا شد و سپس عالم را فراگرفت و هر مسلمان در زندگی‌اش می‌کوشد تا به زیارت خانه خدا برود تا در خود بمیرد و دوباره زنده شود و او می‌داند که بالأخره پایان راهش با همین نقطه از عالم در ارتباط خواهد شد، و در پایان عمر او را رو به سوی این شهر دفن می‌کنند تا در ایجاد همان شهر و همان دایره عظیم انسانی که در زندگی با نماز و نیایش با آن سروکار داشت در مرگش و حتی در تدوین رجوعش در عالم دیگر نیز شریک باشد.

در خاتمه با سپاس از همه سرمد و مؤسسه اسلامبولچی که با تلاش و همکاری ایشان در امر ترجمه، نگارش و چاپ کتاب، شهر اسلامی میسر گردید.

محمدحسین حلیمی

بهمن ماه ۱۳۶۹